خراسان رضوی

صفحه آخر

سه شنبه
۴ مهر ۱۳۹۶
۵ محرم ۱۴۳۹
۸ صفحه/شماره ۳۶۷۴

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

با کسی که خوبی هایت را می پوشاند و عیب هایت را آشکار می سازد، برادری مکن.
تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۴۱۸، ح ۹۵۶۵

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
کشیدیم آن چه کشیدیم همه نوشات چون آوای قبول شنیدیم
دانی که هرگز در مهر شکیبا نبودیم و به هر کوی که رسیدیم
حلقه در دوستی تو گرفتیم و به هر راه که رفتیم بر بوی تو آن راه را بریدیم
دل رفت مبارک باد، گر جان برود در این راه پسندیدیم

ایام نامه

خراسان به روایت خراسان

۴ مهرماه ۱۳۳۹

پیرمرد ۱۳۰ساله‌ای که داماد شد

۵۷ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:
زنگ تلفن زده شد و صدای خفه و گرفته‌ای به گوش رسید. گوینده اعلام نمود که با خبرنگار روزنامه کار دارم.
گفتم: بفرمایید، من خبرنگار روزنامه هستم، طرف مقابل از اینکه به این سرعت موفق به یافتن من شده بود، اظهار شعف کرد و گفت: آقا! خواهش می کنم هرچه زودتر به اتفاق عکاس روزنامه به دکان من واقع در خیابان طبرسی بیایید. منظورش را پرسیدم ولی جواب درستی نداد، فقط گفت که تا ساعت ۱۰ منتظر می‌باشم. عکاس روزنامه را خواستم و به اتفاق او روانه خیابان طبرسی شدیم، پس از جست و جوی زیاد بالاخره موفق به یافتن او شدیم. پس از معرفی فوراً دکان خود را بست و به اتفاق روانه منزل ایشان شدیم. در فاصله راه هزاران فکر به مغزم خطور کرد و با خود می اندیشیدم که خدایا مرا به کجا می برد و چه مقصودی دارد؟ پس از طی کوچه‌های پُرپیچ و خم و یک ساعت پیاده‌روی، به در منزلی قدیمی و رنگ و رو رفته رسیدیم. تا اینجا، کوچکترین اطلاعی از ماموریت خود نداشتم و نمی‌دانستم که چه حادثه واتفاقی در انتظارم است؟ از جوان مزبور خواستم که مرا در جریان بگذارد. با راهنمایی جوان مذکور دانستم که او پسر پیرمردی است که برایش این همه زحمت را تحمل کرده و خود را به اینجا رسانده‌ایم. داخل منزل شدیم، در گوشه حیاط پیرمردی رشید نشسته بود و به مجردی که ما وارد شدیم از جای خود برخاست و گفت: شما مامور مالیات هستید؟ گفتم: خیر! من خبرنگار و رفیقم عکاس روزنامه است و برای مصاحبه نزد شما آمده‌ایم. از شنیدن نام خبرنگار ابروهای ژولیده خود را درهم کشید و گفت: از من چه می خواهید؟ پس از اینکه برای او شرح دادم که فردا عکس زیبای شما در روزنامه کار می شود، قدری از عصبانیتش کاسته شد. اولین سوالی که کردم مربوط به سن و سال او بود، با لهجه‌ای غلیظ گفت: ۱۲۱ سال قبل در شهر مشهد به دنیا آمدم و هنوز هم به توفیق خدا امیدوارم سال‌های زیادی عمر کنم و به خدمت خود ادامه دهم. گفتم: بابا جان! پس از ۱۲۱ سال چه خدمتی می توانی بکنی؟ در جوابم گفت: خدمت از این بالاتر که تاکنون زنده مانده‌ام و این خود درس بزرگی برای جوانان این دوره به شمار می‌رود. گفتم: چند فرزند تحویل جامعه داده‌ای؟
گفت: تاکنون شش زن عقدی گرفته‌ام که همگی فوت کرده‌اند و چهل روز قبل آخرین زنم عمرش را به شما بخشید و به همین خاطر دیروز زن تازه‌ای به خانه آورده‌ام. پرسیدم: بابا جان! خیلی کم صبر و حوصله هستید، چه زود داماد شدید؟
گفت: مگر می‌شود بدون زن زندگی کرد و به حیات خود ادامه داد؟ از زنان قبلی خود شش پسر و دو دختر دارم که به حمدا... همگی آن‌ها در قید حیات هستند و بزرگترین پسرم صد ساله است و دکان قصابی دارد. فرزند کوچکم چهارده ساله است و به جز او همه داماد و عروس شده‌اند و ۲۶ نوه و ۱۵ نبیره دارم.
پرسیدم: علت اینکه به این سن رسیده‌ای چه بوده؟ در جوابم سینه‌اش را سپر کرده و گفت: تاکنون غصه نخورده و مقوی‌ترین خوراک‌ها را خورده‌ام و در این ایام خوراکم را چنگالی (روغن زرد، شیره و نان) تشکیل داده است و به جوانان توصیه می کنم که از این خوراک مقوی بخورند و امید داشته باشند که عمری دراز خواهند کرد.
پرسیدم: از چه دوره و زمانی حکومت ها را در ایران به خاطر دارد؟ قدری فکر کرد و گفت: ناصرالدین شاه را به یاد دارم. موقعی که به مشهد آمد، شخصا جلوی او شتر قربانی کردم و چون از من خوشش آمد، دستور داد ۲۰۰ تومان پول نقره به من دادند. گفتم پدر نگفتی سن زن تازه‌ات چقدر است؟
گفت: ۷۰ سال. در این موقع پسر پیرمرد مرا به کناری کشید و گفت: سن حقیقی پدرم ۱۳۰ سال است و زن جدیدش نیز بیش از ۴۰ سال ندارد.

بازار روز

منبع: سازمان صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی

کالا	قیمت(تومان)	واحد	کالا	قیمت(تومان)	واحد
گوجه فرنگی	۱۴۰۰	کیلوگرم	برنج پاکستانی درجه یک	۷۰۰۰	کیلوگرم
سیب زمینی	۱۴۰۰	کیلوگرم	روغن مایع	۵۳۰۰	بطری ۸۱۰ گرمی
پیاز زرد	۱۸۰۰	کیلوگرم	مرغ گرم	۶۰۰۰	کیلوگرم
عدس کانادایی	۵۶۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (لاشه)	۳۷۵۰۰	کیلوگرم
لوبیا قرمز	۸۲۰۰	کیلوگرم	گوشت گوسفندی (ران بی چربی)	۴۸۰۰۰	کیلوگرم
روغن نباتی جامد	۲۳۵۰۰	حلب ۵ بدون پالم			

آدم ها، قصه ها

ناظمی

عکس: صادق ذباح

با یکی از آخرین نسل‌های عَلَم و کُتل‌سازی در مشهد

میراث ۱۰۰ ساله

از آخرین های نسلی است که بر تن آهن و فولاد؛ مرغان بهشتی، شیران غران و آهوان گریزپا را قلم می‌زنند.
می گوید: عَلَم و کتل و دیگر نمادهایی که در دسته‌های عزاداری امام حسین (ع) استفاده می‌شوند، قدمتی چندین صد ساله دارند و امروز تنها شمار اندکی از کارگاه‌های ساخت آن‌ها در کشور فعال است. امیر عرب مالک یکی از همین «آخرین»هاست که در حاشیه یکی از خیابان‌های شهرمان، عشقش به سیدالشهدا(ع) را بر تن آهن و فولاد نقش می کند.
به گفته او، علم نیشابوری اگر چه در فهرست آثار ناملموس ملی به ثبت رسیده و علم سازی به عنوان زیر شاخه ای از هنر قلم زنی و فلزکاری شناخته می شود اما به دلیل زحمت فراوانی که دارد، شمار اندکی را به خود مشغول کرده است. حال و هوای محرمی شهر، بهانه کافی دستمان داد برای گفت و گو با این هنرمند از حرفه علم و علامت‌سازی:

سه نسل علم‌ساز

مغازه کوچک علامت سازی امیر عرب در حاشیه خیابان بهجت جاخوش کرده است. او به اذعان خودش یکی از آخرین میراث‌داران این هنر در خطه خراسان است و با تاکید می گوید: از این حرفه جز معدود علامت سازانی در تهران و اصفهان در بعضی شهرهای دیگر کسی باقی نمانده است.
این هنرمند ۵۵ ساله، قدمت علامت سازی را در خانواده خود بیش از ۱۰۰ سال بیان می کند و می افزاید: تقریبا سه نسل است که میراث‌دار این هنریم. در گذشته استقبال بیشتری از این هنر بود و بالطبع تعداد افرادی که در این حوزه فعالیت می کردند پُرشمارتر بودند.
وی علم را یکی از ادوات صحنه‌های نبرد می داند و می گوید: چون در ساخت این علم‌ها از هنر فلزکاری و بعضا قلم‌زنی استفاده می‌شود، ارزش و جایگاه ویژه‌ای دارد.
او هر کدام از قطعات علم را دارای فلسفه خاصی می داند و توضیح می دهد: این نمادها یادآور پیروزی حق بر باطل است. علامت به صورت صفحه ای فولادی و به شکل میله ای بلند و باریک است و یک به یک علم‌ها بر روی آن نصب می شوند. میله علامت یکی نبوده و دو سمت آن نیز با پایه بزرگترین علم که در قسمت میانی علامت قرار دارد به هم متصل می شوند و نمادی از کشتی را می سازند، که یادآور حدیث «إنّ الحسین مصباح الهدی و سفینة النّجاة» است.
وی ادامه می دهد: تعداد علم ها متفاوت است اما بیشترین آن ۱۵ عدد و نماد ۱۴ معصوم و علم میانی و بزرگترین علم نیز که در میانی ترین نقطه علامت قرار می گیرد، نماد وحدانیت خداوند است. البته علامت هایی با شمار علم‌های بیشتر ساخته می شوند که تعداد آن‌ها حکمتی ندارد. به اذعان عرب، قیمت علم ها بسته به بزرگی و کوچکی شان از ۲۰۰ هزار تومان تا پنج میلیون تومان است و اغلب هیئت‌ها و تکایای بزرگ مشتری علم‌های بزرگتر هستند. او شرح مفصلی می‌دهد از طرح‌ها و نمادهایی که بر روی هر علم حک می‌شود و تاکید می کند که این حوزه بسیار متنوع است.

۱۰ ماه کار می کنیم برای دو ماه نتیجه

این هنرمند یادآور می‌شود: علامت‌سازی با هنرهای بسیاری از جمله قلم زنی، فلزکاری، خوش نویسی، پرس کاری و... در هم آمیخته و یک نوع علم موسوم به علم نیشابوری در فهرست آثار ناملموس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری جای گرفته است. البته علم همه اش رخ و نقش و نگار نیست، گاهی همین علم‌ها با نقره و طلا آبکاری شده و بار دار و پر و پرچم‌ها نیز تزیین می شوند. خلاصه هر علم برای خودش قصه‌ای دارد که سازنده‌اش به آن واقف است.
وی ادامه می‌دهد: برای ما که زندگی‌مان با این حرفه پیوند خورده، باید ۱۰ ماه سال بدون مزد کار کنیم برای کسب نتیجه در دو ماه. جالب است بدانید که ساخت بعضی از علم‌ها تا دو سال زمان می برد. خلاصه این حرفه دشواری است و همین موضوع باعث شده تا بسیاری از افراد آن را ادامه ندهند. اما مشتری‌های آقای عرب فقط به این خطه و حتی شهرهای دیگر کشورمان محدود نمی‌شوند و او به اذعان خودش خریدارانی از کربلا دارد که هر سال برای تهیه این جنس ادوات به وی مراجعه می کنند؛ «سفارشات آماده شده را با پست برایشان ارسال می کنیم. خلاصه در طول سال مشغول علم سازی هستیم تا در ایام محرم به فروش برسند هر چند برخی مشتریان از یک سال قبل کار را سفارش می دهند.»
وی از مسیر دشواری می گوید که در این سال‌ها طی کرده و بیان می کند: می توانستم تحصیلات دانشگاهی و شغلی دیگر داشته باشم اما از همه این‌ها گذشتم تا به وصیت جدم، چراغ این مغازه را روشن نگه دارم.

هنری مرکب از چند هنر دیگر

او می گوید: علم سازی یک حرفه نیست بلکه هنری تلفیقی برگرفته از خطاطی، قلم زنی، پرس کاری و... است. همه این کارها را من به تنهایی انجام نمی‌دهم. همسرم در امر خطاطی و خواهر همسرم که شاگرد استاد فرشچیان بوده، در طراحی کارها به من کمک می کنند.
او نسل بعد از خودش را هم برای ادامه این راه آماده کرده است؛ «پسرم الیاس نیز همانند من این هنر را آموخته است. قصد ادامه تحصیل داشت اما از او خواستم که ابتدا در هنر اجدادی اش به مهارت برسد، سپس به فکر ادامه تحصیل باشد.» عرب تاکید می کند: جدا از وصیت پدرم، باور دارم که این مسیری پُربرکت است و نفحات آن در زندگی فرزندانم منعکس خواهد شد.

ماجرای یک سیلی سه تومانی

او باور دارد که به واسطه این هنر، حاجتش را از امام حسین(ع) گرفته است و تعریف می کند: یک بار عَلَمی را بدون سفارش قبلی و با نیت سفر به کربلا ساختم، در روند کار نذر کردم و از حضرت خواستم که کربلا را قسمتم کند. زمانی که علم تکمیل شد، شرایطی فراهم شد تا در کمال ناباوری، من، همسر، فرزند و والدین همسرم به کربلا مشرف شویم.
این علم‌ساز از یک «سیلی» هم برایمان می گوید. سیلی که دست‌های محکم پدر بر گوشش نواخته است؛ «پدرم تاکید داشت که باید علم را از فولاد بسازم تا کار با کیفیت‌تر باشد اما من گوش نکردم و آن را با آهن ساختم که به سادگی خم می شود و آسیب می بیند. کار را به سه تومان فروختم اما وقتی پدر فهمید کار بی کیفیت عرضه کردم، سیلی به گوشم نواخت و گفت که نباید هرگز کیفیت را فدا کنم و اعتماد مشتری را از بین ببرم.
خلاصه او مجبورم کرد تا عَلَمی فولادین بسازم به ارزش ۱۰ تومان و به جبران آن اشتباه به همان مشتری بدهم.» حرف‌هایمان که به آخر می رسد از یاری خداوند در زندگی اش می گوید و این که برکت این حرفه آن قدری بوده که تا به امروز به دنبال وام و ضامن نرفته است. او می افزاید: هرگاه نیاز یا آرزویی داشتم آن را به درگاه خداوند بردم، شاید باورتان نشود اما آن چه خواستم، کم یا زیاد، نصیبم شد. باور دارم، تقدیر را نباید به جز او سپرد و حمایت را جز از او نباید طلب کرد.
از عرب می‌پرسم اگر قرار باشد از او به عنوان یکی از فعالان این حرفه حمایتی شود، چه می خواهد، در پاسخ بیان می کند: اگر این تن، دیگر توان کار کردن نداشته باشد، ملالی نیست چون هر چه توان این بازوها بوده خرج سیدالشهدا(ع) شده است. او باور دارد اگر غِشی در کار نباشد روزی ات را خدا می دهد. چنان چه با دیدن شکوه این علم‌ها دلی بشکند و یا حسین(ع) بگوید، خیرش به من باز می گردد.

یادداشت

مسیح انصاری

مدیرعامل انجمن حمایت از مصرف کنندگان

غفلت از سهم ساختارهای مردم‌نهاد در حمایت از حقوق مصرف کننده

در نظام حقوقی بسیاری از کشورها، حقوق مصرف کننده از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در کشورهای توسعه یافته، بحث دفاع از حقوق مصرف کننده برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد و به تبع آن برای تحقق این مهم، سازمان های مردم نهاد فعالیت خود را آغاز کردند، در کشورهایی که ساختارهای سرمایه داری بر آن‌ها حکم فرماست، طی دهه های اخیر تلاش وسیعی صورت گرفته تا مفهوم حقوق مصرف کننده و حمایت از آن به شایستگی تعریف و تبیین شود و هر روز نیز بر تقویت این مقوله افزوده می شود. هر کدام از این جوامع، مبتنی بر رویکردهایی که در این حوزه اتخاذ کرده‌اند و یا بر حسب شدت دخالت دولت و همچنین میزان بهره گیری از توان آحاد جامعه، نتایج متفاوت، لیکن مفیدی را کسب کرده‌اند. به طور مثال در اغلب کشورها به منظور حمایت از حقوق مصرف کننده، اتحادیه ها و تشکل های مصرف کنندگان با اختیارات قانونی لازم، امکان چاپ و نشر اطلاعات و حق استفاده از رسانه ها جهت ارتقای اطلاعات مصرف کنندگان ایجاد می شوند. در نهایت در کنار آن‌ها برخی سازمان های اداری، حقوقی و دولتی جهت برخورد مناسب با متخلفان شکل می گیرد.
اما این مبحث در ایران با آغاز به کار انجمن حمایت از حقوق مصرف کنندگان به عنوان تنها سازمان مردم نهاد در این حوزه با مجوز وزارت کشور در سال ۸۵ رسمیت یافت، همچنین علی رغم آن که لایحه حمایت از حقوق مصرف کننده، اوایل سال ۱۳۷۰ به مجلس شورای اسلامی ارائه شد، اما پس از کش و قوس های فراوان در نهایت در سال ۸۸ مصوب و ابلاغ شد. حال اگر چه خلأ قانونی در خصوص حمایت از حقوق مصرف کنندگان مشهود نیست، اما نکته حائز اهمیت، عملیاتی و اجرایی کردن این قانون است، به طور مثال در شرایط فعلی سازمان های مردم نهاد به عنوان حامیان حقوق مصرف کننده در این بخش وجود ندارند تا که نهادینه سازی این قانون را پیگیری کنند.
مبحث دفاع از حقوق مصرف کنندگان در کشور ما نوپاست، از این رو نمی توان انتظار داشت که مصرف کنندگان به حقوق خود به طور کامل و جامع واقف باشند. شاهد این مدعا آن است که به آن اندازه که در چرخه تولید و توزیع، از تولید کننده حمایت می‌شود به نیازهای مصرف کننده توجه نمی شود. چنان که هم اکنون با مسائلی همچون کم فروشی و درج نشدن قیمت بر روی کالاها مواجه هستیم، حال آن که ماده ۵ قانون حمایت از مصرف کنندگان به صراحت به این موضوع اشاره دارد: «تمامی عرضه کنندگان کالا و خدمات مکلفند با الصاق برچسب روی کالا، یا نصب تابلو در محل کسب یا حرفه، قیمت واحد کالا یا دستمزد خدمت را به طور روشن و مکتوب به گونه‌ای که برای همگان قابل رویت باشد، اعلام کنند». بنابراین تفاوتی نمی کند که این قیمت گذاری از سوی چه سازمان و نهادی انجام شود، این اقدام صرفا باید از سوی عرضه کنندگان کالا و خدمات صورت پذیرد که تبصره ۲ ماده یک نیز عرضه کنندگان کالا و خدمات را این گونه تعریف می کند: «به کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه کنندگان خدمات اعم از فنی و حرفه‌ای و همچنین کلیه دستگاه‌ها، موسسات و شرکت‌هایی که مشمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و به طور مستقیم یا غیرمستقیم به صورت کلی یا جزیی کالا یا خدمات به مصرف کننده ارائه می کنند، اطلاق می شود». لذا درج قیمت بر روی محصول و کالا طبق نص صریح قانون است که باید اجرایی شود. از این رو نصب برچسب قیمت بر روی تمام کالاهایی که در بازار عرضه می شود، یک ضرورت غیر قابل انکار است و با فروشندگان متخلف باید به شدت برخورد شود. نصب برچسب قیمت سبب می شود که مصرف کنندگان با مقایسه بهای کالاهای مشابه در فروشگاه های مختلف، به راحتی بتوانند موارد تخلف را تشخیص و به مسئولان ناظر بر قیمت ها اطلاع دهند. بنابراین باید بر روی کالاهای اساسی و راهبردی همچون نان، گوشت، روغن، قند، شکر، لبنیات و... حتما قیمت درج شود.
علاوه بر این، مصرف کنندگان باید حق برخورداری از اطلاعات لازم را در این حوزه داشته باشند، بدین معنا که مصرف کننده حق دارد از مشخصات، فواید و مضرات کالای مصرفی آگاه شود و بعد آن را انتخاب کند.
در پایان باید اذعان کرد؛ همان گونه که تولیدکنندگان تشکل های حامی بسیاری همچون اتاق بازرگانی، انجمن صنفی، اتحادیه ها و... دارند، مصرف کنندگان نیز باید دارای چنین انجمن ها و تشکل هایی باشند، چرا که مصرف کنندگان شکل دهنده تقاضا در بازار کالا و خدمات هستند و در صورتی که از ابزارها و حمایت های لازم حقوقی برخوردار باشند، می توانند با انتخاب صحیح، تولیدات و خدماتی را که به هر نحو از استانداردهای لازم برخوردار نیستند، از صحنه بازار حذف کنند و بدین وسیله رقابت هر چه بیشتر را میان عرضه کنندگان کالا و خدمات به منظور ارائه محصولات بهتر ایجاد کنند. علاوه بر این، توصیه می شود رسانه ها، مطبوعات، گروه‌های مردم نهاد، آموزش و پرورش و... بیش از پیش در جهت ارتقای آگاهی مصرف کنندگان گام بردارند.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

این تصویر از محمد قاضی، مهاجم تیم فوتبال پدیده در یک ایستگاه صلواتی شهر مشهد مورد توجه مخاطبان شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت.

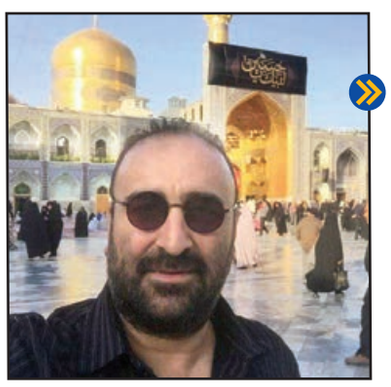

مهران احمدی، بازیگر، صفحه اینستاگرامش را با این عکس از جوار حرم رضوی به‌روز کرد.

واکنش رضا قوچان‌نژاد به صدر نشینی تیم اش در لیگ هلند

ملی‌پوش ایرانی تیم هیرنوین صدر نشینی در اردویژه هلند را احساسی بسیار خوشایند توصیف کرد. به گزارش فرتاک ورزشی، رضا قوچان‌نژاد، ملی‌پوش ایرانی تیم هیرنوین که حضور ۸۷ دقیقه‌ای در بازی برابر ویلم داشت به رادیو فریزلان هلند گفت: احساس بسیار خوبی از صدر نشینی در اردویژه هلند دارم. باز هم اتفاق دیگری برای مارخ داد. هفته پرمشغله‌ای با سه بازی سخت داشتیم. اگر انرژی ما را مشاهده کنید می‌بینید که چقدر می‌ارزد. ارزش آن را داشت و ما از این بابت خوشحال هستیم. گوچی در ادامه با اشاره به صدر نشینی هیرنوین در جدول رده‌بندی اردویژه هلند اظهار کرد: می خواهیم تصویری از جایی که هستیم بگیریم و این بسیار زیباست، البته نمی خواهیم خیلی این اتفاق را دنبال کنیم. نباید روی صدر نشینی تمرکز کنیم و نگاه ما باید از بازی به بازی دیگری باشد. ما هفته آینده، بازی بسیار خوبی برابر آژاکس آمستردام در ورزشگاه خانگی خواهیم داشت. واقعا بیش از این نیز نمی توانم منتظر باشم.